

حکمرانی خوب در آئینه «کتاب دده قورقود»

(بازخوانی یک متن کهن ادبی)^۱

اصغر ایزدی جیران^۲

رحیم یوسفی اقدم^۳

چکیده: هدف مقاله حاضر بررسی نشانه‌ها و رگه‌هایی از حکمرانی خوب در متون کهن است. کتاب دده قورقود به عنوان یکی از متون کهن ادبی زبان ترکی اوغوزی مشتمل بر یک مقدمه و ۱۲ داستان می‌باشد که از روزگاران قدیم توسط آشوق‌ها یا هنرمندان مردمی آذربایجان در قالب ادبیات شفاهی حفظ و به نسل‌های بعد منتقل شده‌است. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی از دو روش بهره برده‌است: (۱) تأویل متن (رویکرد گادامر) و (۲) تحلیل محتوای کیفی (فنون کاربرد قیاسی و تکوین استقرایی مقوله‌ها). جهت مقایسه و اطمینان از صحت از سه متن استفاده شده‌است: متن محرم ارگین (ترکی)، متن جفری لوئیس (ترجمه انگلیسی و فارسی) و متن بهزاد بهزادی (از نسخ گوناگون با ترجمه فارسی). با کاربرد قیاسی مقوله‌های متن مورد مطالعه، معرف‌های ویژه‌ای از حکمرانی خوب در قالب سه رویکرد اصلی آن، مدیریتی، اقتصادی و سیاسی - حقوقی، شناسایی شدند. از سوی دیگر تکوین استقرایی مقوله‌های متن، معرف‌های دیگری نیز تشخیص داده شدند که فراتر از سه رویکرد اصلی، رویکرد دیگری را برای حکمرانی خوب مطرح می‌کنند: رویکرد اخلاقی.

کلیدواژگان: حکمرانی خوب، کتاب دده قورقود، رویکردهای سه‌گانه، رویکرد اخلاقی، تحلیل محتوای کیفی، آذربایجان، متون ادبی.

۱. این مقاله قبلاً در منبع زیر منتشر شده و برای انتشار مجدد در اختیار موسسه «انسان‌شناسی و فرهنگ» قرار گرفته است:
ایزدی جیران، و یوسفی اقدم، رحیم (۱۳۸۷) «حکمرانی خوب در آئینه کتاب دده قورقود (بازخوانی یک متن کهن ادبی)»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی (علمی - پژوهشی)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلیخال، صص: ۴۹-۲۱.

۲. بورسیه گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران (aizadij@gmail.com)

۳. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه و طرح مسأله

مقاله حاضر به بررسی یکی از متون کهن ادبی مربوط به ترکان اوغوز با تمرکز بر شیوه‌ها و چگونگی حکمرانی در آن می‌پردازد. پاسخگویی به این که متن، در قیاس با رویکردهای اصلی حکمرانی خوب، چه وضعیت و نسبتی دارد، هدف اساسی مقاله است. مسأله اصلی پژوهش حاضر این است که آیا حکمرانی خوب که در دهه‌های اخیر مطرح شده‌است، رگه‌ها و نشانه‌هایی نیز در دوران‌های گذشته دارد یا نه. پاسخ به این مسئله ما را به سوی بررسی و تحلیل آثار بر جای مانده از گذشتگان وامی‌دارد. در میان این آثار متون ادبی و حماسی جایگاهی ویژه دارند، چراکه در آنها بیشتر به مباحث حکمرانی اشاره شده‌است و لذا می‌توان با کنکاش در سطور این متون به نحوه اداره سرزمین و ارتباط میان مردم و حاکمان و شیوه حکمرانی پی برد.

وجود فاصله زمانی میان مفاهیم جدیدی چون حکمرانی خوب و متون کهن ادبی، مسئله عدم انطباق این دو را پیش می‌کشد. لذا بایستی تأکید کرد که هدف مقاله، نه انطباق کامل این دو و استخراج شاخص‌های دقیق از متن، بلکه نزدیک کردن افق معنایی حاضر در قالب مفهوم حکمرانی خوب به افق معنایی یک متن کهن است. لذا انطباق کامل و استخراج دقیق ویژگی‌ها و معرف‌های امروزی و مدرن منتسب به حکمرانی خوب از متون سنتی و قدیمی منطقی و مطلوب نیست. چراکه اولاً به لحاظ منطقی نمی‌توان مفهومی مدرن را از مفاهیم سنتی استخراج کرد و ثانیاً هر بافت تاریخی و اجتماعی - فرهنگی می‌تواند الگوی ویژه‌ای از مفهومی را به وجود آورد که در حدود شرایط زمانی و مکانی آن پذیرفتنی است.

افق‌های معنایی امروزی با افق‌های معنایی گذشته در محدوده زبانی مشترکی زیست می‌کنند و همین زبانمندی افق‌ها باعث فهم می‌شود (گادامر، ۲۰۰۴). از همین روست که آثار گذشته وقتی خوانده می‌شوند، نخست معنای امروزی دارند (احمدی، ۱۳۸۶: ۵۷۱). با این رویکرد می‌توان فهمی را از یک متن کهن در ارتباط با مفهومی جدید به دست داد.

از میان متون کهن ادبی، یکی از آنها، «کتاب دده قورقود»، برای بررسی انتخاب شده‌است. علت انتخاب این متن برای مطالعه در درجه اول به یکی از ویژگیهای خود متن، یعنی حماسی بودن، برمی‌گردد؛ چراکه این ویژگی در بر دارنده اشارات فراوانی به نحوه حضور حکمرانان در جامعه و شیوه‌های حکمرانی آنهاست. در درجه دوم اهمیتی است که متن به لحاظ فرهنگی دارد؛ از همین رو بوده‌است که سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد، یونسکو، سال میلادی ۱۹۹۹ را سال جهانی بزرگداشت «کتاب دده قورقود» اعلام کرد (بهزادی، ۱۳۸۱: ۷؛ فرآذین، ۱۳۸۱: ۱۰؛ لوئیس، ۱۳۷۹).

حکمرانی خوب^۱

مفهوم «حکمرانی خوب» در طول دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ برای تغییرات سیاستی جهت اصلاح نظام‌های سیاسی مطرح شد. اخیراً نهادهایی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان ملل اجرای آن را به عنوان پیش‌شرطی برای کمک‌های خود در

^۱. Good Governance (GG)

کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته‌اند (نیومایر^۱، ۲۰۰۳؛ ناندا^۲، ۲۰۰۶). حکمرانی خوب به عنوان ابزاری نگریسته شده است که کشورها توسط آن التزام خود به توسعه اقتصادی و اجتماعی را نشان می‌دهند (ناندا، ۲۰۰۶: ۲۶۹؛ دمرز و دیگران^۳، ۲۰۰۴). نهادهای بین‌المللی همچون سازمان ملل و بانک جهانی برای ارتقاء حکمرانی خوب خصوصاً در آفریقا (دینگ و لیونز^۴، ۱۹۹۸؛ هاجارت و دیگران^۵، ۲۰۰۴) و آسیا (تاکور و ویگن^۶، ۲۰۰۴) تلاش‌های گسترده‌ای کرده‌اند. همچنین گروه جی ۸ (۸ کشور صنعتی جهان) در سال ۲۰۰۵ خود را ملتزم به کمک به کشورهای در حال توسعه کردند که ارتقاء حکمرانی خوب در مرکز این تعهد جدید بود. از نظر این نهادها، حکمرانی خوب برای صلح، ثبات، توسعه پایدار، و رشد حیاتی است. بدون حکمرانی خوب، تمامی اصلاحات دیگر اثرات محدودی خواهد داشت (نیومایر، ۲۰۰۳؛ وودز^۷، ۲۰۰۷). کمک توسعه رسمی^۸ توسط کشورهای آلمان، فرانسه، بریتانیا و جامعه و اتحادیه اروپا در بین سالهای ۱۹۸۰-۱۹۹۵ به حکمرانی خوب در کشورهای در حال توسعه صورت گرفت (زانگر^۹، ۲۰۰۰). به نظر می‌رسد تحقق توسعه پایدار در گرو داشتن حکمرانی خوب است (هاجارت و دیگران، ۲۰۰۴؛ اونیکوو^{۱۰}، ۲۰۰۴؛ دمرز و دیگران، ۲۰۰۴).

پیچیدگی مفهوم حکمرانی ارائه یک تعریف ساده از آن را دچار مشکل می‌سازد. حکمرانی به ساده‌ترین بیان به چگونگی ارتباط بین شهروندان و حکومت اشاره دارد. در نظریه حکمرانی، کارآمدی دولت تابعی از چگونگی ارتباط شهروندان با حکومت است. حکمرانی در بخش‌های مختلفی قابل استفاده است (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶: ۴۴). تعریف حکمرانی خوب بر اساس ارزش‌ها و هنجارهایی می‌باشد که غالباً نسبی‌اند؛ لذا ارائه یک مدل حکمرانی واحد برای همه کشورها را دچار مشکل می‌سازد. اما ارزش‌ها و هنجارهای جهان‌شمولی وجود دارد که کار مقایسه ارزیابی انواع حکمرانی را ساده می‌سازد.

از آنجاییکه به نظر برخی از محققین، هیچ معیار مشخصی برای تعیین حکمرانی خوب وجود ندارد (ناندا، ۲۰۰۶: ۲۶۹؛ دمرز و دیگران، ۲۰۰۴: ۲)، تنها به جنبه‌هایی از آن می‌توان اشاره کرد.

نهادهای ملی، دانشگاهی و بین‌المللی تعاریف مختلفی را از اصطلاح حکمرانی خوب ارائه کرده‌اند. برنامه توسعه سازمان ملل^{۱۱} حکمرانی خوب را استفاده از قدرت سیاسی و اداری در تمام سطوح دولت برای برخورد مناسب با مشکلات پیش روی دولت تعریف می‌کند (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶: ۴۵). بنا بر نظر این نهاد حکمرانی خوب دارای شاخص‌های زیر می‌باشد: (۱) پاسخ‌گویی؛ (۲)

1. Neumayer

2. Nanda

3. Demmers et al

4. Deng & Lyons

5. Hatchard et al

6. Thakur & Wiggen

7. Woods

8. Official Development Assistance

9. Zanger

10. Onyejekwe

11. United Nations Development Program (UNDP)

اجماع محوری؛ ۳) شفافیت؛ ۴) مشارکت جویی؛ ۵) قانون محوری؛ ۶) مسئولیت پذیری؛ ۷) عدالت جویی؛ ۸) کارایی و اثربخشی (ناندا، ۲۰۰۶؛ دمرز و دیگران، ۲۰۰۴؛ نیومایر، ۲۰۰۳؛ تارلینگ و دیگران^۱، ۲۰۰۵).

موسسه بانک جهانی^۲ نیز در سال ۱۹۹۹ اقدام به تعریف و تعیین شاخص‌هایی برای حکمرانی خوب کرده‌است. حکمرانی از دید این موسسه، سنت‌ها و نهادهایی که تعیین کننده چگونگی اعمال اقتدار در یک کشور هستند تعریف شده‌است (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶: ۴۵). شاخص‌های حکمرانی خوب (که شامل صدها متغیر است که از حدود ۲۵ منبع گردآوری شده‌است) از دید این موسسه بین-المللی به قرار زیر می‌باشد: ۱) حق اظهار نظر و پاسخگویی^۳: در برگیرنده حقوق سیاسی افراد جامعه که معرف‌هایی چون تغییر منظم در حکومت، توزیع برابر فرصت‌ها، نظام حقوقی شفاف و عادلانه و ... را شامل می‌شود. ۲) ثبات سیاسی و عدم خشونت^۴: احتمال بی‌ثباتی یا براندازی دولت با ابزارهای غیرقانونی یا خشونت‌بار. ۳) اثربخشی حکومت^۵: توانایی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌های درست. ۴) حاکمیت قانون^۶: احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که بر تعاملات آنان تأثیر می‌گذارد. ۵) مبارزه با فساد^۷: عدم استفاده از قدرت عمومی در جهت منافع شخصی یا گروهی (کورو-کازورا و آگولرا^۸، ۲۰۰۴؛ تارلینگ و دیگران، ۲۰۰۵؛ ناندا، ۲۰۰۶؛ دمرز و دیگران، ۲۰۰۴؛ نیومایر، ۲۰۰۳).

حکمرانی خوب برای توزیع مجدد دارایی‌ها برای اقشار آسیب‌پذیر خصوصاً زنان ضروری است. قائل شدن حقوقی برای زنان جهت رسیدن به امنیت و پایگاه اجتماعی توسط حکمرانی خوب میسر است (ناتان و آپو^۹، ۲۰۰۲: ۳۷۳). برخی دو مکانیسم را در اشاعه جهانی حکمرانی خوب مؤثر می‌دانند: ۱) نیروهای درونی که در صدد افزایش اثربخشی نظام‌های موجود می‌باشند و ۲) نیروهای بیرونی که به دنبال افزایش مشروعیت هستند (کورو-کازورا و آگولرا، ۲۰۰۴: ۴۳۵؛ ر. ک. روزا^{۱۰}، ۲۰۰۱).

در یک جمع‌بندی از نظریات مختلف ارائه شده درباره حکمرانی خوب، می‌توان سه رویکرد اصلی را تشخیص داد. ۱) رویکرد مدیریتی و تکنوکراتیک: در رویکرد مدیریتی می‌توان به معرف‌هایی چون اثربخشی، پاسخگویی، شفافیت، مبارزه با فساد، حاکمیت قانون و ... اشاره کرد (لانگلاندز^{۱۱}، ۲۰۰۴؛ تارلینگ و دیگران، ۲۰۰۵). ۲) رویکرد اقتصادی: این رویکرد عمدتاً به دنبال اهداف و استراتژی‌های تقلیل فقر و کمک به اقشار آسیب‌پذیر است (وودز، ۲۰۰۷؛ واگنر^{۱۲}، ۲۰۰۴: ۱۲۹؛ عبدالطیف^۱، ۲۰۰۳: ۳؛ تارلینگ و

1. Tarling et al

2. World Bank Institute (WBI)

3. Voice and Accountability

4. Political Stability

5. Governance Effectiveness

6. Rule of Law

7. Control of Corruption

8. Cuervo-Cazurra & Aguilera

9. Nathan & Apu

10. Rosa

11. Langlands

12. Wagener

دیگران، ۲۰۰۵). ۳) رویکرد سیاسی - حقوقی: رویکرد سوم به مسائل حکومتی همچون حقوق انسانی، دموکراسی، آزادی بیان و مطبوعات، انتخابات آزاد، نظام سیاسی چندحزبی، جامعه مدنی قدرتمند و ... می‌پردازد (دبیل و ترلین^۲، ۲۰۰۵: ۲؛ گوتال^۳، ۲۰۰۲: ۴۷؛ هاچارت و دیگران، ۲۰۰۴).

جدول ۱) رویکردها و معرف‌های عمومی در حکمرانی خوب

معرف‌ها و منابع	رویکردها
اثربخشی (کورو-کازورا و آگولرا، ۲۰۰۴؛ دمرز و دیگران، ۲۰۰۴) شفافیت (دمرز و دیگران، ۲۰۰۴؛ نیومایر، ۲۰۰۳) مبارزه با فساد (ناندا، ۲۰۰۶؛ دمرز و دیگران، ۲۰۰۴؛ تارلینگ و دیگران، ۲۰۰۵) حاکمیت قانون (ناندا، ۲۰۰۶؛ دمرز و دیگران، ۲۰۰۴) ثبات (وودز، ۲۰۰۷؛ دمرز و دیگران، ۲۰۰۴)	۱) مدیریتی و تکنوکراتیک
تقلیل فقر (وودز، ۲۰۰۷؛ دمرز و دیگران، ۲۰۰۴؛ نیومایر، ۲۰۰۳؛ واگنر، ۲۰۰۴)	۲) اقتصادی
امنیت شهروندان (دبیل و ترلین، ۲۰۰۵)، حق اظهار نظر (آزادی بیان) و پاسخگویی (ناندا، ۲۰۰۶؛ دمرز و دیگران، ۲۰۰۴؛ نیومایر، ۲۰۰۳؛ زانگر، ۲۰۰۰؛ نیومایر، ۲۰۰۳؛ عبدالطیف، ۲۰۰۳؛ واگنر، ۲۰۰۴؛ گوتال، ۲۰۰۲) انتخابات آزاد (زانگر، ۲۰۰۰) نظام سیاسی چندحزبی (هاچارت و دیگران، ۲۰۰۴) جایگاه و حقوق زنان (ناتان و آپو، ۲۰۰۲)	۳) سیاسی - حقوقی (حقوق انسانی و دموکراسی)

این پژوهش به دنبال یافتن رگه‌ها و نشانه‌هایی از حکمرانی است که بتوان آنها را در سه رویکرد اصلی مذکور در حکمرانی خوب قرار داد. اما بایستی تأکید کرد که معرف‌های این سه رویکرد بنا به متن، که مانند هر متن دیگری دارای خاص‌گرایی فرهنگی ویژه‌ای است، می‌تواند متفاوت و یا همسو با معرف‌هایی باشد که در نظریه‌ها مطرح‌اند، که به این موضوع در بخش نتیجه‌گیری اشاره خواهیم کرد. آنچه که مهم است قرار گرفتن معرف‌های متن در قالب سه رویکرد اصلی است، معرف‌هایی که به افق معنایی حاصل از مفهومی چون حکمرانی خوب نزدیک هستند. یکی از علائم خاص بودن متن مورد مطالعه، مانند هر متن دیگر، آن است که باعث معرفی رویکرد دیگری نسبت به حکمرانی خوب شده‌است که در بخش یافته‌ها خواهد آمد.

معرفی متن مورد مطالعه

1. Abdellatif
2. Dbiel & Terlinden
3. Guttal

«کتاب دده قورقود»^۱، کهن‌ترین اثر مکتوب و شاهکار ادبی و حماسی و اسطوره باستانی زبان ترکی اوغوز است که با گویش ترکی آذربایجانی به رشته تحریر درآمده است (راشدی، ۱۳۸۷: ۲۲۵؛ سرداری‌نیا، ۱۳۸۷: ۹۲؛ بهزادی، ۱۳۸۱: ۷؛ فرآذین، ۱۳۸۱: ۱۸؛ هادی، ۱۳۸۶: ۴۳۶؛ فیض‌الهی وحید، ۱۳۶۹: ۴؛ ر. ک. سومر، ۱۳۸۰). اولین کسی که از او در کتاب، در مقدمه آن، یاد می‌شود شخصیتی است به نام «دده قورقود». در زبان ترکی، دده به معنای پدربزرگ، قور به معنای آتشین، قود یا قورد یا قورت به معنای گرگ است (هادی، ۱۳۸۶: ۴۳۶ و ۶۶۱؛ داشقین، ۱۳۸۴؛ ر. ک. چایلی، ۱۳۸۶). دده قورقود از قبیله بایات (به معنای قدیمی، کهن و اصیل) فرزند دوم گون‌خان پسر اوغوزخان است (بولدوک، ۱۹۹۵: ۲۴۸؛ بهزادی، ۱۳۸۱: ۱۳؛ لوئیس، ۱۳۷۹: ۲۴۵). زبان اثر، زبان حدود هزار سال پیش مردم آذربایجان و ترکیه امروزی است. داستان‌های اثر به مراتب قدیمی‌تر از زمان نوشته شدن کتاب و قبل از مسلمان شدن ترکان است (راشدی، ۱۳۸۷: ۲۲۵؛ فرآذین، ۱۳۸۱: ۴۹). زبان و سبک داستان‌های دده قورقود نخستین نمونه ادبیات شفاهی مردمی آذربایجان است. زبان داستان‌ها با توجه به زمان و مکان تکوین نهایی داستان‌ها، زبان ترکی رایج در آذربایجان و آناتولی است. متن مربوط به زمانی است که هنوز ترکی آذربایجانی از ترکی آناتولی جدا نشده است (لوئیس، ۱۳۷۹: ۱۷۸؛ بهزادی، ۱۳۸۱: ۱۸). یکی از احتمال‌های علت نام‌گذاری متن به کتاب دده قورقود آن است که در انتهای تمامی داستان‌های ۱۲گانه ساختن و پرداختن متن به دده قورقود نسبت داده شده است: «ددهم قوروت داستان پرداخت، شعر سرود، این اوغوزنامه را به رشته نظم و نثر کشید».

«دستان‌ها» یا «حماسه‌های مردمی»^۲ (ویلکس^۳، ۱۹۹۵: ۱) دوازده‌گانه متن به نظم و نثر نوشته شده‌اند؛ نثر دستان‌ها ساده و به زبان مردمی است و در خلال آنها انواع مختلف آثار ادبی شفاهی مانند بایاتی، نغمه، ضرب‌المثل، و حتی مرثیه دیده می‌شود. این متن، اثری حماسی است و هر کدام از دستان‌ها درباره دل‌آوری‌ها و ماجراهای دل‌انگیز یکی از قهرمانان کتاب است. در این دستان‌ها قهرمانی‌ها و شیوه زیست و باورهای ترکان اوغوز شرح شده و ویژگی‌های انسانی آنها ستوده شده است. اشعار دستان‌ها را «اوزان-ها»^۴ (که امروزه به آنها «آشیق»^۵ می‌گویند) سروده و همراه با «ساز»، «قوپوز»^۶، با آهنگ‌هایی خوانده می‌شدند؛ آشیق‌ها بایستی بخشی از جامعه ترکی زمانی که آنها چادر نشین بودند، باشند (فار^۷، ۱۹۷۶: ۵۴-۵۵). آشیق، در مناطق مختلف باخشی و باغشی (ازبکستان و ترکمنستان)، آکین و باکسی (قزاقستان)، ماناس‌چی (قرقیزستان)، حافظ (تاجیکستان) و ژیرائوس (قاراقالپاق‌ها) نیز نامیده می‌شود (رئیس‌نیا، ۱۳۷۷: ۸۷؛ فار، ۱۹۷۶: ۵۴).

¹. Dede Korkut

². folk epics

³. Wilks

⁴. Ozan

⁵. Ashiq

⁶. Kopuz

⁷. Farr

اشعار کتاب در حدود ۲۰۰۰ بیت بوده و تقریباً ۳۵ درصد کل مطالب را تشکیل می‌دهند. اغلب اسامی مکان‌هایی همچون «کوه‌های قازلیق، الینجه فالاسی، گویجه گولی، دره‌شام، دمیرقاپی، قاراجیق، قاراداغ، آلاداغ و بایات» که به عنوان محل وقوع حوادث و داستان‌ها آمده مربوط به آذربایجان ایران و مناطقی مانند «شروان، دربند، گنجه، بردع» متعلق به کشور جمهوری آذربایجان است، ولی از شهرهای شرقی آناتولی نیز مانند «طرابزون، بایبورد و ماردین» هم یاد شده‌است (بولدوک^۱، ۱۹۹۵: ۲۵۱؛ فرآذین، ۱۳۸۱: ۳۳ و ۴۵؛ لوئیس، ۱۳۷۹: ۱۷۹؛ بهزادی، ۱۳۸۱: ۱۴).

داستان‌های کتاب دده قورقود بر اساس اساطیر و تاریخ اوغوزها پرداخته و سروده شده‌است. «اوغوزخان» شخصیت اسطوره‌ای و تاریخی نیز هست. شش فرزند او یعنی «گون‌خان، آی‌خان، اولدوزخان، گوگ‌خان، داغ‌خان و دنیزخان» (فضل‌اله، ۱۳۸۴: ۶۲؛ سیدوفا، ۱۳۸۴: ۱۹۱-۱۹۳) هر یک صاحب چهار فرزند شده و پایه‌گذاران ۲۴ قبیله اوغوز گردیدند: گون‌خان (قایی، بایات، آلفراولی، قارا ائولی)، آی‌خان (یازیر، دوغر، دولدوغا، یاپارالی)، اولدوزخان (آوشار، قیزیق، بیگیدلی، قارقین) که اوغوز درونی (ایچ اوغوز یا اوچ اوخ) و گوگ‌خان (باییندر، پچنک، چاولدور، چپه‌نی)، داغ‌خان (سالور، ایمور، آلیونتلی، یوره‌گیر) و دنیزخان (ایغدیر، بوغدوز، بیوا، قینیق) که اوغوز بیرونی (تاش اوغوز یا بوز اوخ) را تشکیل می‌دادند (اؤزدک، ۱۳۸۰: ۶۲؛ بهزادی، ۱۳۸۱: ۱۰-۱۲؛ فرآذین، ۱۳۸۱: ۳۱؛ ر.ک. کاشغری، ۱۳۸۳).

کتاب دده قورقود، سرمنشأ داستان‌های حماسی و غنایی آذربایجان و آناتولی به شمار می‌آید (رئیس‌نیا، ۱۳۷۷: ۶۵). داستان‌های آشیق‌های آذربایجان را باید در مجموع در دو گونه ویژه جای داد: (۱) داستان‌های حماسی همچون «دده قورقود، کوراوغلو، قاجاق‌نی، شاه‌صنم ختایی» و ... که به «ایگیدلیک داستانی» (داستان‌های قهرمانی) معروف‌اند. (۲) داستان‌های غنایی همانند «اصلی و کرم، آشیق‌غریب و شاه‌صنم، عباس و گولگز» و ... که به «محببت داستانی» اشتها دارند (رسولزاده، ۱۳۸۷: ۱۸۱-۱۸۲؛ فیض‌الهی و حید، ۱۳۶۹: ۶).

نسخ خطی متن. سه نسخه خطی از کتاب دده قورقود شناخته شده‌است: (۱) نسخه «درسدن»^۲ آلمان: شامل ۱۲ داستان و یک مقدمه در ۳۰۳ صفحه، هر صفحه ۱۳ سطر؛ تحت عنوان «کتاب دده قورقوت علی لسان طایفه اوغوزان»، که در اوایل قرن نوزده یافت شد. (۲) نسخه «واتیکان»: مشتمل بر ۶ داستان (داستان‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۷ و ۱۲) و مقدمه در ۱۱۹ صفحه، هر صفحه ۱۳ سطر، که در اواسط قرن بیستم پیدا شد. (۳) نسخه «برلن»: در ۳۷ صفحه و هر صفحه ۳۴ سطر؛ رونوشت بخشی از نسخه درسدن (آنار، ۱۳۸۱؛ بهزادی، ۱۳۸۱). نسخه درسدن توسط «یاکو» و «رئیسکه» مصرشناس آلمانی در فهرست کتابخانه سلطنتی درسدن ثبت گردید. در سال ۱۸۱۵ فون دیس^۳ شرق‌شناس آلمانی یکی از داستان‌های کتاب را به آلمانی ترجمه و منتشر کرد و به این ترتیب

^۱. Bulduk

^۲. dresden

^۳. Heinrich Friedrich Von diets

این کتاب معرفی گردید. سپس «تئودور نولدکه» شرق‌شناس دیگر آلمانی در سال ۱۸۵۹ به ترجمه کامل کتاب پرداخت، اما توفیق نیافت. «بارتولد» شرق‌شناس روسی که شاگرد وی بود، به تکمیل کار او همت گماشت و چهارستان کتاب را بررسی و ترجمه نمود و در ۱۸۹۰ منتشر کرد؛ در سال ۱۹۲۲ ترجمه روسی کتاب را به پایان برد ولی موفق به چاپ آن نشد. نهایتاً در سال ۱۹۵۰ حمید آراسلی و محمدحسین طهماسبی آن را منتشر کردند.

در سال ۱۹۱۶ «معلم رفعت» متن کتاب را با الفبای عربی منتشر کرد. در سال ۱۹۳۸ «محرم ارگین» با استفاده از نسخ درسدن و واتیکان و با تغییر برخی از واژه‌ها به لغات رایج امروزی، قرائت دیگری را به چاپ رساند و در سال ۱۹۶۲ جلد دوم کتاب شامل توضیحات را در دسترس علاقمندان قرار داد. در سال ۱۹۶۲ ترجمه روسی کتاب توسط «یاکوبوفسکی، ژیرمونیسکی و کونونوف» بر پایه نسخه بارتولد چاپ گردید. در سال ۱۹۷۳ «اورخان شایق گوگ یای» متن کتاب را با توضیحات مفصل و به انضمام واژه-نامه مشتمل بر ۴۸۲۵ واژه انتشار داد. در سال ۱۹۸۰ «شامیل جمشیدوف» کتاب را به زبان ساده در باکو به چاپ رساند. در سال ۱۹۸۸ «فرهاد زینالف و صمد علیزاده» ضمن ارائه تطبیقی قرائت‌های مختلف متن را انتشار دادند. در سال ۱۳۵۵ ترجمه و نگارش اثر به زبان فارسی توسط «فریبا عذبدفتری و محمدحریری اکبری» صورت گرفت. کتاب دده قورقود در سال ۱۳۵۸ توسط «محمدعلی فرزانه» و در سال ۱۳۷۸ توسط «حسین محمدخانی» به زبان اصلی انتشار یافت. نهایتاً در سال ۱۳۸۱ ترجمه‌ای به زبان فارسی از روی چندین نسخه توسط «بهزاد بهزادی» چاپ شد.

پیشینه تجربی در خصوص متن مورد مطالعه

با اینکه داستان‌های دده قورقود در طول زمان‌های بسیار گذشته در حوزه فرهنگی گسترده‌ای سینه به سینه حفظ شده، ولی از زمان کشف اتفاقی متون آن، به عنوان یکی از اسناد بزرگ مردم‌شناختی، اساطیری و حماسی که قدمت برخی روایات آن اساساً به دوران‌های پیش از تاریخ برمی‌گردد، از سوی دانشمندان و مراکز پژوهشی با استقبال فراوانی مواجه شده و بلافاصله به زبان‌های مهم اروپایی برگردانده و مورد بررسی و تفسیر قرار گرفته‌است (فرآذین، ۱۳۸۱: ۹). مطالعات انجام شده از کتاب دده قورقود عمدتاً به بررسی‌های تطبیقی اختصاص یافته‌است. از این میان دانشمندان اروپایی (دیتس و فیشر)، روسی (بارتولد)، ترکیه (اورخان شائق، محرم ارگین)، آذربایجان (حمید آراسلی، دمیرچی‌زاده، جمشیداف، آنار) و ایران (فرزانه، سیدسلامت، هیئت) به بررسی این کتاب پرداخته‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

فون دیتس دانشمند آلمانی، پس از ترجمه یکی از داستان‌های کتاب یعنی «دستان تپه‌گوز» به زبان آلمانی، آن را با داستان «غول یک چشم» کتاب حماسی معروف/اودیسه «هومر»، شاعر معروف یونانی، مقایسه کرده‌است (فرآذین، ۱۳۸۱: ۱۸). میرعلی سیدسیلامت (۱۳۸۶) که اسطوره‌شناس آذربایجان است در اثر خود، مقدمه‌ای بر بررسی کتاب دده قورقود، به استخراج مفاهیم اساطیری کتاب دده قورقود پرداخته و تلاش کرده‌است تا با کنار نهادن زوایدی که در سیر تاریخی بر کتاب افزوده شده، شکل ابتدایی آن را در

نظر گیرد. نهایتاً نویسنده به دنبال کشف جهان‌بینی اساطیری بوده و از همین رو روایت دده قورقود را به عنوان بیانی از گاه چهارم آفرینش در اساطیر آذربایجان می‌داند. بولوت قره‌چورلو، «سهند»، (۱۳۸۲) با به نظم کشیدن داستان‌های متن در سه مجلد با عناوین «سازیمین سوزو، قارداش آندی، دده‌مین کیتابی»، نیز برداشتی شاعرانه و هنری از اثر را ارائه داده‌است.

آثار که از محققان فرهنگ آذربایجان است در اثر خود، دده قورقود (آثار ۱۳۸۱)، علاوه بر آوردن متن اصلی داستان کشته شده تپه-گئوز توسط باسات و نیز داستان دلی‌دومرول، به بررسی دنیای دده قورقود (دده قورقود دنیاسی) پرداخته‌است و سعی در شناساندن حوزه فکری غالب در جهان دده قورقود دارد. بررسی معانی فرهنگی عناصر مختلف کتاب، همچون با تکیه اساسی بر اسامی و نیز اعمال قهرمانان، هدف اصلی محقق را تشکیل داده‌است. شریدان^۱ (۲۰۰۸) در مقاله‌ای با عنوان کتاب دده قورقود در پرتو فرضیه فرموله شفاهی بر آن است که رویکردهای متن‌محور که از گرایش‌های فرهنگ نوشتاری نشأت می‌گیرند، بایستی در مطالعه روایت‌های دده قورقود کنار گذاشته شوند. به جای آن این روایت‌ها، که بر تولید فرهنگ شفاهی وابسته‌اند، بایستی در درون زمینه فرضیه‌های فرموله شفاهی بررسی شوند. شریدان، با در ارتباط قراردادن ساختار جملات و شیوه گفتار آشقی‌ها، همچون «باغلاما، دئیشمه و ...»، و نیز مقایسه نحوه گویش‌های نسخه درسدن با نسخه واتیکان، به دنبال بسط رویکرد شفاهی-محور در برابر رویکرد نوشتاری‌محور در بررسی کتاب بوده‌است.

از سوی دیگر علیف^۲ (۲۰۰۷) در پژوهش خود معتقد است که همچون دیگر آثار ادبی حماسی، در کتاب دده قورقود، تکرار صداها، کلمات، اشکال و ساختارهای گرامری ریتمی را به وجود می‌آورد. به همین دلیل است که کتاب دده قورقود متن سختی برای ترجمه به زبان‌های دیگر است. حوزه‌های تحقیقاتی دیگر در مورد کتاب دده قورقود شامل شده‌اند بر: بررسی تاریخ سیاسی ترک‌ها با استفاده از اسامی ویژه‌ای از متن (تاکسوی^۳، ۲۰۰۸)؛ مطالعات جدید درباره اوغوزنامه‌های دده قورقود (دده قورقود اوغوزنامه‌لری) (دنیزر^۴، ۲۰۰۶)؛ تأکید بر قهرمانان اوغوز که اساسی‌ترین عنصر کتاب هستند (گایب‌اف^۵، ۲۰۰۸)؛ بررسی ابعاد روان‌شناختی داستان‌ها و شخصیت‌ها همچون داستان دلی‌دومرول (دوندار^۶، ۲۰۰۱)؛ ابعاد زیبایی‌شناختی زبان کتاب دده قورقود با تأکید بر تکرار به مثابه کیفیت سبک (اوستونووا^۷، ۲۰۰۸)؛ زندانی شدن قهرمانان، چگونگی رفتار با آنان در اسارت توسط دشمن، و انعکاس این رویدادها در زندگی اجتماعی (گایب‌اف، ۲۰۰۸).

روش‌شناسی

^۱. Sheridan

^۲. Aliev

^۳. Toksoy

^۴. Denizer

^۵. Gayibov

^۶. Dündar

^۷. Üstünova

در تحقیق حاضر از دو روش تحقیق کیفی بهره برده‌ایم: (۱) روش تأویل متون ادبی و هنری؛ (۲) روش تحلیل محتوای کیفی. تأویل متن، کوشش برای راهیابی به افق معنایی متن است (پالمر، ۱۳۸۴؛ احمدی، ۱۳۸۶)؛ به نظر گادامر^۱ هر اثر کلاسیک ادبی برای زمانه ما پرسش‌هایی خاص مطرح می‌کند و پاسخ‌هایی دقیق به آنها می‌دهد. انگار که یکسر برای این زمانه نوشته شده‌است (گادامر، ۲۰۰۴). بر اساس نظریه هرمنوتیکی هانس گئورگ گادامر حقیقت نه از راه روش، بلکه از راه دیالکتیک به دست می‌آید، دیالکتیک میان «افق خود شخص و افق سنت» (پالمر، ۱۳۸۴: ۱۷۹، ۱۸۲-۱۸۳). بر اساس هرمنوتیک دیالکتیکی گادامر، کار بر روی افق تاریخی یک متن همواره در بر دارنده آمیختگی افق‌هاست، افق تاریخی نمی‌تواند توسط خودش معین گردد (گادامر، ۲۰۰۴: ۵۷۸-۵۷۹). گادامر رویداد دیالوژیکی فهم را به مثابه ذوب افق‌ها^۲ در نظر می‌گیرد (دوستال، ۲۰۰۲: ۳ و ۱۳۶).

گادامر بر آن است که تجربه هرمنوتیکی در ماهیت خویش تجربه‌ای زبانی است (گادامر، ۲۰۰۴: ۴۴۰). زبان به عنوان «وسیله تجربه هرمنوتیکی»، «معین‌گر کنش هرمنوتیکی»، وسیله «تجربه جهان» (همان: ۳۸۵، ۳۹۷، ۴۳۶)، امکان فهم متون و آثار گذشته را فراهم می‌آورد و این امر محصول «افق جهانی زبان»^۳ است (همان: ۴۴۳). لذا زبانمندی باعث می‌شود تا بتوان متون گذشته را ادراک کرد، چراکه خود متن نیز در افق زبانی قرار دارد. به زعم هواداران تأویل متن، آثار هنری عالی‌ترین صورت اظهارکنندگی را دارا هستند؛ یعنی آنها به بهترین وجه اظهارات معنی در خارج به شمار می‌روند. عالی‌ترین صورت تفهم در مبدل شدن به تبیین است و تبیین جنبه سترگی از اظهارکنندگی (زبانمندی) در آثار مکتوب (متن) و شفاهی (روایت و گفتار) را می‌رساند. اصیل‌ترین و ارزنده‌ترین نوشته‌ها و گفته‌های واجد معنی، ادبیات را پدید می‌آورند. ادبیات دنیای حکایت/روایت (داستان، اسطوره، افسانه) را می‌آفریند، جهان امکانات را و در نتیجه افقی از واقعیت را نیز می‌گشاید (حریری اکبری، ۱۳۸۰: ۱۰۰). از این‌رو به نظر می‌رسد با تأویل، بیشتر و بهتر از هر شیوه دیگری می‌توان به بیرون کشیدن درونمایه این اثر پرداخت.

تحلیل محتوای کیفی، روشی است که با استفاده از رویکرد کیفی و با به کارگیری فنون مختلف، به تحلیل نظام‌مند متون می‌پردازد (اسپانگل و دیگران^۴، ۲۰۰۵؛ حریری، ۱۳۸۵: ۲۶۴). در تحلیل محتوای کیفی، متن به شیوه‌ای قاعده‌مند و گام به گام به واحدهای تحلیلی تقسیم می‌شود و با دنبال کردن سؤال پژوهش، مقوله‌ها بر اساس جنبه‌های نظری ویژه تکوین می‌یابند و از طریق حلقه‌های بازخورد و بازنگری‌های لازم، تطابق مقوله‌ها در رابطه با نظریه و شیوه‌های تحلیل، تضمین می‌شوند (میرینگ^۵، ۲۰۰۰). تحلیل محتوا برای توصیف محتوا و آزمون فرضیات مشتق از نظریه است (ریف و دیگران^۶، ۱۹۹۸: ۱۷). بنا بر فرایند پژوهش حاضر از دو شیوه تحلیل محتوای کیفی استفاده خواهیم کرد: (۱) کاربرد قیاسی مقوله‌ها: در این شیوه بخش‌های مختلف متن تحت مقوله

1. Gadamer

2. fusion of horizons

3. world-horizon of language

4. Spannagel et al

5. Mayring

6. Riffe et al

خاصی با توجه به چارچوب نظری قرار گیرند. از این شیوه برای تشخیص مقولاتی از متن استفاده خواهیم کرد که در راستای معیارهای مطرح شده برای حکمرانی خوب، در چارچوب نظری، قرار می‌گیرند. (۲) تکوین استقرایی مقوله‌ها: در این شیوه مقوله‌های جدیدی، با در نظر گرفتن ملاکی برای تعریف (تعریف ملاکی)، از خود متن پدید می‌آید پروراند می‌شوند. از این شیوه در طرح رویکرد جدید مشتق از متن بهره خواهیم برد (میرینگ، ۲۰۰۰).

بنابراین در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تأویل در مرحله اول به کشف معنایی متن، در مرحله دوم به نزدیک کردن افق معنایی متن به افق معنایی پژوهشگر و در مرحله سوم با استفاده از روش تحلیل محتوا، به تشخیص مقوله‌های مفهومی متن پرداخته خواهد شد.

در این مقاله، سه متن از کتاب مورد بررسی قرار گرفته است. (۱) ترجمه فارسی از متن انگلیسی «جفری لوئیس»^۱ با عنوان «کتاب دده قورقود»^۲ که در سال ۱۹۷۴ از طرف مؤسسه انتشارات پنگوئن جزء آثار کلاسیک جهان چاپ و منتشر شد. (۲) متن ترکی «محرم ارگین»^۳ با عنوان «دده قورقود کیتابی»^۴ که در سال ۱۹۶۴ در آنکارا منتشر شده که نگارنده از نسخه تجدید چاپ شده آن در سال ۲۰۰۳ استفاده کرده است. (۳) ترجمه فارسی بهزاد بهزادی از نسخ مختلف با عنوان «ددهم قورقوت: شاهکار ادبی و حماسی ترکان اوغوز» که در سال ۱۳۸۱ در تهران منتشر شده است. در برگردان فارسی بسیاری از اصطلاحات و جملات ادبی از ترجمه فریبا عذبدفتری و محمد حریری اکبری از کتاب لوئیس بهره فراوانی گرفته شده است.

یافته‌ها

۱- رویکردهای سه‌گانه

علاوه بر یک مقدمه، متن دارای ۱۲ داستان به شرح زیر است: «دستان اول: بوغاج‌خان پسر دیرسه‌خان، دستان دوم: یغمای خانمان سالورقازان، دستان سوم: بامسی به‌یره‌ک صاحب اسب خاکستری، دستان چهارم: اسارت اوروزبیگ پسر قازان بیگ، دستان پنجم: دلی دومرول پسر دوخاقوجا، دستان ششم: قانتورالی پسر قانلی‌قوجا، دستان هفتم: یغنیق پسر قازلیق‌قوجا، دستان هشتم: کشتن باسات تپه‌گوز را، دستان نهم: عمران پسر بگیل، دستان دهم: سغرق پسر اوشون‌قوجا، دستان یازدهم: اسارت سالورقازان و ره‌ایش او به دست پسرش، اوروز، دستان دوازدهم: یورش آوردن اوغوز درونی بر اوغوز بیرونی و کشته شدن به‌یره‌ک». در ادامه به تأویل و تحلیل محتوای متن بر اساس هر یک از رویکردهای سه‌گانه حکمرانی خوب خواهیم پرداخت.

¹. Geoffrey Lewis

². *The Book of Dede Korkut*

³. Muharram Ergin

⁴. *Dede Korkut Kitabi*

۱-۱- رویکرد اول: رویکرد مدیریتی

- دانایی محوری در تدبیر امور عمومی

بنا بر متن، ویژگی اصلی دده قورقود، دانایی اوست: «او داناترین شخص اوغوز بود» (ارگین، ۲۰۰۳: ۸؛ بهزادی، ۱۳۸۱: ۲۳؛ لوئیس، ۱۳۷۹: ۲۳). در میان تمامی افراد اوغوز، او داناتر از همه است. اما دانایی او برای آن ارزشی والا و قابل ذکر در متن دارد که وی تدبیرکننده کارها در میان اوغوزهاست: «هیچ کاری بی تدبیر او انجام نمی‌گرفت» (ارگین، ۲۰۰۳: ۸؛ بهزادی، ۱۳۸۱: ۲۳؛ لوئیس، ۱۳۷۹: ۲۳). اوغوزها تدبیر و نحوه انجام امور عمومی را به دست کسی سپرده‌اند که از بالاترین قوه دانایی و دانش برخوردار است. پس محور و اصل انتخاب افراد برای تدبیر امور، مشخصه دانایی است و نه ویژگی‌هایی مانند قدرت، ثروت، پایگاه اجتماعی و مسیر صعود افراد در سلسله‌مراتب اجتماعی توسط مؤلفه‌ای صورت می‌گیرد که بعد ذهنی دارد: دانستن. از این رو تمامی افراد اجتماعی این فرصت را دارند که به مرتبه فهم بالاتری از پدیده‌ها و رویدادها برسند و لذا مدیریت امور اجتماعی را به دست گیرند. این آگاهی از تجربه حاصل می‌شود: «قولجا قوپوز بؤکسلتیب ائلدن ائله، بیدن بیه اوزان گزر» (ارگین، ۲۰۰۳: ۸)، «اوزان به همراه قوپوز دسته بلندش از سرزمینی به سرزمین دیگر می‌رود» (لوئیس، ۱۳۷۹: ۲۵). سرزمین در اینجا به معنای قبایل مختلف اوغوز است. دده قورقود یا آشیق کسی است که به قبایل مختلف رفته و با شیوه زندگی و مسائل آنها آشناست. تنها چنین شخصی می‌تواند در جهت از بین بردن موانع زیست بهتر چاره‌جویی کند.

- به کارگیری سیاست‌های تدبیرگر توسط اجراکنندگان (بیگ‌ها)

علاوه بر اینکه به دانایی همچون مشخصه‌ای برای تدبیرکننده نگاه می‌شود، افراد اجتماع التزام عملی نیز برای گفتار فرد تدبیرکننده، دده قورقود، قائل هستند و نسبت به آن حساسیت دارند: «هر نه کی بویورسا قبول ائدر دیلر، سوزؤنؤ توتوپ تامام ادر لردی» (ارگین، ۲۰۰۳: ۸)، «هر چه می‌فرمود به کار بسته می‌شد» (بهزادی، ۱۳۸۱: ۲۳؛ لوئیس، ۱۳۷۹: ۲۳). تنها در این شرایط است که تدبیرکننده می‌تواند مشکلات عینی اجتماع را برطرف سازد: «قورقود آتا اوغوز قومینین مؤشکؤلؤنؤ حل ائدردی» (ارگین، ۲۰۰۳: ۸)، «قورقوت آتا مشکلات قوم اوغوز را حل می‌کرد» (سرداری‌نیا، ۱۳۸۷: ۹۰؛ فیض‌الهی و حید، ۱۳۶۹: ۵).

- مردمی بودن تدبیرگر امور

اصالت دانش دده قورقود از آنجا ناشی می‌شود که او در واقع یک اوزان یا آشیق، اولین نوازنده ساز (قوپوز)، است (پسندی حکم-آبادی، ۱۳۸۴). مهم‌ترین ویژگی آشیق این است که از میان ائل (مردم) برخاسته و سخن می‌گوید (فیض‌الهی و حید، ۱۳۶۹: ۴)؛ او به هیچ وجه به طبقات بالای اجتماعی و مراتب سیاسی وابستگی ندارد. چنین شخصی که از میان خود مردم برخاسته، صاحب

دانش مردمی است و همین امر ارتباط نزدیک با بطن اجتماع و فرهنگ است که او را لایق و شایسته امر تدبیرگری می‌کند. در اثر همین صمیمیت آشقی‌ها و صداقت آنان به مردم و آمالشان، ضرب‌المثل‌هایی نظیر «آشیق پدر مردم است»، «آشیق هر جا مکان دارد»، «آشیق از آن ماست» و ... به وجود آمده‌است (سرداری نیا، ۱۳۸۷: ۸۹).

- شایسته‌سالاری برای انتخاب مقام بیگی (با معیارهای ذهنی و عینی)

اعتقاد به تقدس دده قورقود باعث می‌شود که در چندین دستان کتاب، او نام‌دهنده بر چند شخصیت باشد: بوغاچ در دستان اول، بامسی به‌یهرک در دستان سوم و باسات در دستان هشتم. در واقع «نام‌دادن یکی از کارکردهای دده قورقود است» (جعفرلی، ۱۳۸۴: ۵۳؛ رئیس نیا، ۱۳۷۷: ۶۵). نام‌دان در اساطیر به معنای «وجود و حیات اجتماعی بخشیدن» (سیدسلامت، ۱۳۸۶: ۷۳) است. در برخی از این مناسک گذار، دده قورقود علاوه بر نام‌گذاری، تاجی بر سر فرد می‌گذارد؛ به عنوان مثال در مورد بوغاچ در دستان اول. بنابراین دده قورقود قدرت اعطای مقام بیگی به افراد را نیز دارد؛ رئیسی که داناترین عضو اجتماع آن را برمی‌گزیند، بایستی دارای معیارهایی چون تعقل (استفاده از عقل توسط بوغاچ در نبرد با گاو سیاه وحشی) و توان جسمی (از پا انداختن چند حیوان وحشی) باشد. کسب چنین ویژگی‌هایی در ابتدای دستان دهم نیز به سغرق از سوی بیگ‌ها تذکر داده می‌شود (بهزادی، ۱۳۸۱: ۲۱۳).

- تشکیل شورای مشورتی (شورای بیگ‌ها)

اعضای اجتماع اوغوز خود را ملزم می‌دانند که در مواقع بحران و دشواری با دده قورقود مشورت کنند. در دستان هشتم چنین است که: «مردان اوغور با درماندگی در شکست دادن تپه‌گوز نزد دده قورقود رفتند و با وی به مشورت نشستند» (لوئیس، ۱۳۷۹: ۱۷۳). البته بایستی گفت که منظور از اشاره به نجبای اوغوز در دستان‌های کتاب، عده قلیلی از نجبگان نیست، بلکه با توجه به قرائن موجود، شمار بیش از حد آنها، می‌توان گفت که این نجبا برابر با بخش بزرگی از اجتماع اوغوزها هستند: «بزرگان اوغوز که شمارشان از حد بیرون است» (لوئیس، ۱۳۷۹: ۴۸؛ بهزادی، ۱۳۸۱: ۵۲ و ۷۰)، «شمارش بیگ‌های اوغوز پایانی ندارد»، «۹۰۰ هزار جوان اوغوز در مجلس قازان گرد آمدند» (لوئیس، ۱۳۷۹: ۶۳ و ۱۰۱؛ بهزادی، ۱۳۸۱: ۱۱۳). نشانه‌های بسیاری از وجود انجمن و مجلس مشورتی در میان اوغوزها وجود دارد: در ابتدای دستان نهم، بیگ‌های اغوزهای درونی و بیرونی در انجمنی به ریاست بایندرخان هستند. نیز در همین دستان از «دیوان بایندرخان» سخن به میان می‌آید که بگیل، به عنوان حافظ مرزهای سرزمین اوغوز، سالی یکبار به آنجا مراجعت می‌کند (بهزادی، ۱۳۸۱: ۱۹۷ و ۱۹۸). در دستان دهم سغرق برای رفتن به مبارزه به انجمن وارد می‌شود. در دستان دوازدهم، به تشکیل انجمنی از اوغوز درونی و اوغوز بیرونی (۲۴قبیله) اشاره می‌شود و نیز از دیوان بایندرخان نیز ذکری به میان می‌آید (همان: ۲۱۵، ۲۴۳ و ۲۵۱).

- اثربخشی مهم‌ترین اقدام نجبا؛ مبارزات نجبا برای رهانیدن مهم‌ترین عناصر سرزمین

همه نجبای اوغوز بایستی کاری برای اجتماع خود انجام دهند. در دستان یازدهم کتاب، قازان‌خان از پسرش اوروزبیگ چنین انتقاد می‌کند: «به ۱۶ رسیده سن و سالت ولی از تو کسی کاری ندیده» (لوئیس، ۱۳۷۹: ۱۰۳). اما کاری که هر یک از نجبا بایستی انجام دهد، یکی از مهم‌ترین امور است. نجبا بایستی با دشمنانی که همواره سرزمین آنها را به یغما می‌برند، مبارزه کرده و اسرای خویش را بازستانند. این اثربخشی در دستان‌های مختلف به نجات مهم‌ترین عناصر اوغوز به شرح زیر صورت می‌گیرد: در دوم نجات اسرا توسط قازان‌خان، در دستان چهارم نجات اوروز توسط نجبا، در دستان ششم نجات سلجان‌خاتون توسط قانتورالی، در دستان هفتم نجات قازلیق‌قوجا توسط پسرش، در دستان هشتم نجات ایل اوغوز از دست تپه‌گوز توسط باسات، در دستان نهم نجات مرز ایل توسط عمران، در دستان دهم نجات اغرق توسط سغرق، در دستان یازدهم نجات قازان‌خان توسط اوروز. نظارت بر عملکرد بیگ‌ها (نیروهای اجرایی). اقدامات بیگ‌ها توسط بایندرخان همواره نظارت شده و رسیدگی می‌شود. در دستان اول، چهل دلاور از روی حسادت به دیرسه‌خان هشدار می‌دهند که در مقابل اقدامات منافی با آداب اجتماعی پسرش (بوغاج) بایندرخان بر او خشم خواهد گرفت (بهزادی، ۱۳۸۱: ۳۷-۳۸). در دستان نهم نیز بگیل به عنوان مرزدار سرزمین اوغوز بایستی گزارشی سالانه را به دیوان بایندرخان ارائه دهد.

- تأکید بر تعقل و خردمندی برای رئیس بیگ‌ها

از ویژگی‌های اساسی لازم برای رؤسای اوغوز، افزونی قوه عاقله است. دده قورقود در انتهای دستان اول در دعایی که برای خان-خانان می‌خواند، بر افزونی عقل در کنار افزونی سلامتی و دولت تأکید می‌کند: «حق تعالی سلامتی، عقل و دولت تو را افزون سازد» (بهزادی، ۱۳۸۱: ۴۸)، «بایندرخان حامی تمام اوغوز، قدرتمند، خردمند و نیکخواه است» (لوئیس، ۱۳۷۹: ۲۴۱). در دستان ششم قانتورالی بیان می‌دارد که «مردان بزرگ با عقل بر این جهان چیره گشته‌اند» و از عقل برای غلبه بر شرایط سخت مبارزه استفاده می‌کند و حیوان وحشی را شکست می‌دهد (همان: ۱۵۷). در دستان هشتم، باسات از علم سترگ بایندرخان به تپه‌گوز خبر می‌دهد: «خان ما که علم سترگ را حمل می‌کند، بایندرخان» (همان: ۱۹۴).

- اهمیت وافر اوغوز برای نجبا

سرزمین و اعضای اوغوز برای حکمرانان آن یعنی بیگ‌ها اهمیت فراوانی دارد. در دستان دوم، *سالورقازان* چنان از نگرانی در مورد سلامتی ایل اوغوز برآشفته می‌شود که به تنهایی از اردوگاه شکار برای رسیدگی به مشکلات پیش‌آمده برمی‌گردد (لوئیس، ۱۳۷۹: ۵۰-۵۱). در دستان نهم نیز بگیل نگرانی خود را نسبت به سرزمین چنین ابراز می‌کند: «قازان بیگ، اگر نیایی، مملکت پریشان و خراب می‌شود» (بهزادی، ۱۳۸۱: ۲۰۴).

- صداقت در سیاست

«یلان سوز بو دؤنیادا اولونجا اولماسا داها اییی» (ارگین، ۲۰۰۳: ۹)، «بهتر آنکه هیچ دروغی در دنیا نباشد» (لوئیس، ۱۳۷۹: ۲۴؛ بهزادی، ۱۳۸۱: ۲۵). حکمرانان نباید در فرایند اداره جامعه دروغ بگویند. از منظر متن، زمانی حکمرانی خوب رخ خواهد داد که اداره‌کنندگان جامعه این اصل اخلاقی به نظر ساده را جدی بگیرند. بسیار قابل توجه است که در میان اوغوزها حتی خود دروغ ناشناخته است: «در بین نجبای اوغوز دروغ هنوز ناشناخته بود» (لوئیس، ۱۳۷۹: ۷۸؛ فرآذین، ۱۳۸۱). در میان جمع تصمیم‌گیرنده امور جاری جامعه اوغوز، دروغ‌گویی تا آن زمان به وقوع نپیوسته و حکمرانان اوغوز به طور کلی با مفهوم و عملی با عنوان دروغ و دروغ‌گویی بیگانه‌اند. در دستان یازدهم نیز *سالورقازان* می‌گوید: «و هرگز جنگجوی لاف‌زن را ارج ننهادم» (لوئیس، ۱۳۷۹: ۲۱۲).

در جدول زیر تکوین قیاسی مقوله‌های حکمرانی خوب در رویکرد اول، رویکرد مدیریتی، همراه با معرف‌ها آمده‌است.

جدول ۲) کاربرد قیاسی مقوله‌ها در رویکرد اول

رویکرد	معرف‌ها	متن	توضیحات
	۱. دانایی‌محوری در تدبیر امور عمومی	مقدمه	دده قورقود به عنوان داناترین اوغور در مقام تدبیر امور
	۲. به کارگیری سیاست‌ها توسط اجراکنندگان (بیگ‌ها)	مقدمه	پیروی بیگ‌ها به عنوان نیروهای اجرایی از دده قورقود
	۳. مردمی بودن تدبیرگر امور	مقدمه	دده قورقود به عنوان یک اوزان، هنرمند مردمی است و به قبایل مختلف می‌رود
	۴. شایسته‌سالاری برای انتخاب بیگی (با معیارهای ذهنی و عینی)	دستان اول	اعطای مقام بیگی به بوغاچ به توصیه دده قورقود توسط دیرسه‌خان در اثر اثبات شایستگی
رویکرد		دستان دهم	تأکید بر کسب مقام بیگی در اثر شایستگی‌ها به اغرق پسر اوشون‌قوجا
		دستان هشتم	شورا به ریاست بایبندرخان و راهنمایی دده قورقود

مدیریتی	۵. تشکیل شورای مشورتی	دستان نهم	انجمن و تشکیل جمع بیگ‌های اوغوزهای درونی و بیرونی
		دستان دهم	اشاره به وارد شدن سغرق به انجمن
		دستان دوازدهم	اشاره به تشکیل انجمنی با حضور اوغوز درونی و اوغوز بیرونی (۲۴قبیله)
		دستان دوم	نجات اسرا توسط سالورقازان
		دستان چهارم	نجات اوروز توسط نجبا
		دستان ششم	نجات سلجان‌خاتون توسط قانتورالی
		دستان هفتم	نجات قازلیق‌قوجا توسط یغلق
		دستان هشتم	نجات ایل اوغوز از دست تپه‌گوز توسط باسات
		دستان نهم	نجات مرز ایل توسط عمران پسر بگیل
		دستان دهم	نجات اغرق توسط سغرق برادر وی
	دستان یازدهم	نجات قازان‌خان توسط اوروز	
	۷. نظارت بر عملکرد بیگ‌ها (نیروهای اجرایی)	دستان اول	هشدار چهل دلاور به دیرسه‌خان در مورد نظارت بایندرخان بر بوغاج
		دستان نهم	گزارش سالانه مرزدار اوغوز به «دیوان بایندرخان»
	۸. تأکید بر تعقل برای رئیس بیگ‌ها	دستان اول	خواستن فزونی عقل برای بایندرخان، خان خانان توسط دده قورقود
		دستان ششم	متوسل شدن قانتورالی به عقل برای رویارویی با شرایط سخت مبارزه
		دستان هفتم	تأکید یغلق بر حفظ دانسته‌ها در عقل، در خطاب به دایی‌اش
		دستان هشتم	بیان داشتن باسات از علم سترگ بایندرخان
	۹. اهمیت وافر سرزمین برای نجبا	دستان دوم	تنها برگشتن سالورقازان از اردوگاه شکار به سوی اوغوز در پی نگرانی از وضعیت جامعه
		دستان نهم	ابراز نگرانی بگیل به قازان‌بیگ نسبت به پریشانی مملکت
	۱۰. صداقت در سیاست	مقدمه	از زبان دده قورقود
		دستان یازدهم	از زبان سالورقازان

۲-۱- رویکرد دوم: رویکرد اقتصادی

- توزیع مجدد ثروت جامعه

مهمانی *باییندرخان*، به عنوان خان خانان، که سالانه برگزار می‌شود و در آن اجازه داده می‌شود تا هر کسی هر چه می‌خواهد از دارایی‌های وی برای خود بگیرد، نمادی از تشکیل اجتماع و مراسمی است که در آن افراد اجتماع می‌توانند نظم پیشین را بگسلند و نظم جدید را بر جای آن بنشانند. *باییندرخان*، «خان خانان»، «خان بزرگ ایل»، «سرکرده بیگ‌ها و ستون سرزمین ترک» (لوئیس، ۱۳۷۹: ۱۷۰، ۱۱۰ و ۱۶۲) قازان دست اعضای خانواده‌اش را گرفته از چادر خویش بیرون می‌روند و بعد از بیگ‌ها دعوت می‌کند که به تاراج چادرش پردازند (همان: ۲۴۲) است. بنابراین این مراسم به مثابه نوعی نظام توزیع مجدد ثروت ایفای نقش می‌کند. نظامی که حق تمامی اعضای اجتماع را برای بهره‌گیری از دارایی‌های سرزمین محترم و مساوی می‌شمارد و لذا هیچکس در این سیستم محروم از امکانات مادی نیست. داشتن آزادی افراد برای رسیدن به اهداف، تنها شرط لازم است، اما شرط کافی آن داشتن فرصت‌ها و امکانات لازم برای چنین هدفی است. به این تقسیم ثروت به طور ویژه در دستان دوازدهم بین اوغوز درونی و اوغوز بیرونی اشاره شده است (بهزادی، ۱۳۸۱: ۲۴۳ و ۲۴۴). در دیگر اسطوره مردمی یعنی *کورواوغلو* نیز در *چنلی‌ئیل*، محل اسکان *کورواوغلو*، همه برابرند (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۳).

- از بین بردن فقر و حمایت از فقرا

نجبا و رؤسای اوغوز همواره بر مبارزه با فقر در مراحل مختلف زندگی اجتماعی تأکید می‌ورزند. در دستان اول، همسر دیرسه‌خان به وی برای استعجابت دعا، پیشنهاد می‌کند که «اگر گرسنه دیدی سیرش کن، اگر برهنه دیدی بپوشان، بدهکار را از وام برهان». دیرسه‌خان نیز به همراه همسرش چنین می‌کند (بهزادی، ۱۳۸۱: ۳۴-۴۱). *قازان* امید فقرا و حامی دلاوران به هنگام گرفتاری است (لوئیس، ۱۳۷۹: ۲۴۲). در دستان‌های دوم و سوم از *سالورقازان*، داماد *باییندرخان*، به عنوان «امید مسکین‌های بیچاره» و «پشتیبان دلاوران در مانده» یاد می‌شود (بهزادی، ۱۳۸۱: ۵۱ و ۱۰۳). در دستان چهارم، همسر *قازان* خان خطاب به او می‌گوید «اگر گرسنه‌ای دیدم، سیرش کردم؛ اگر برهنه‌ای دیدم، لباس پوشاندم» (همان: ۱۲۴). و به همین سیاق دلی دمرول در دستان پنجم اظهار می‌دارد که به فقرا کمک کند. در ابتدای دستان دهم، شرط کسب مقام در نظام سیاسی *باییندرخان*، حمایت از فقرا و کمک به آنها عنوان می‌شود (همان: ۲۱۳).

جدول زیر تکوین قیاسی مقوله‌های حکمرانی خوب را در رویکرد دوم، رویکرد اقتصادی، همراه با معرف‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۳) کاربرد قیاسی مقوله‌ها در رویکرد دوم

رویکرد	معرف‌ها	متن	توضیحات
رویکرد اقتصادی	۱. توزیع مجدد ثروت جامعه	دستان اول	توسط بایندرخان فرزند قام‌خان به بیگ‌ها در مقام اجتماع بزرگ
		دستان دوازدهم	توزیع ثروت در میان اوغوز درونی و بیرونی توسط بایندرخان
	۳. حمایت از فقرا و درماندگان	دستان اول	به توصیه همسر دیرسه‌خان و اقدام از سوی وی
		دستان‌های دوم، سوم	سالورقازان، داماد بایندرخان، امید فقرا و حامی درماندگان است
		دستان چهارم	همسر سالورقازان به فقرا کمک می‌کند
		دستان پنجم	دلی‌دومرول می‌خواهد که به فقرا کمک کند
		دستان دهم	شرط کسب مقام حمایت از فقرا عنوان می‌شود

۳-۱- رویکرد سوم: رویکرد سیاسی - حقوقی

در دستان‌ها به حقوق اعضای جامعه خصوصاً اقشاری چون زنان و افراد عادی توجه ویژه‌ای شده‌است (گونئیلی، ۱۳۸۵: ۴۰)، چنانکه لایه‌های مختلف اجتماع در سرنوشت آن نقش مهمی دارند.

- شأن والای زنان و ایفای نقش زنان در جامعه

زنان در جامعه اوغوز جایگاهی والا دارند (راشدی، ۱۳۸۷؛ لوئیس، ۱۳۷۹) و همواره از سوی بیگ‌ها به نیکی و احترام فراوان یاد می‌شوند. این امر در دستان اول در سخنان دیرسه‌خان به همسرش، در دستان دوم، در سخنان اوروز به بورلاختون، در دستان چهارم در سخنان سالورقازان به همسرش، در دستان پنجم در سخنان دلی‌دومرول و در دستان دهم در سخنان سغرق به همسرشان پدیدار می‌شود. همسر دیرسه‌خان در دستان اول آمادگی خود را برای مبارزه با دشمنان جهت رهانیدن فرزند اعلام کرده و به رزم می‌رود. در دستان چهارم، بورلاختون همسر سالورقازان برای نجات اوروزبیگ به مبارزه می‌رود. بگیل در دستان نهم، بر عقل و سخن همسرش صحنه می‌گذارد و پیشنهاد او را مبنی بر شکار می‌پذیرد (بهزادی، ۱۳۸۱: ۴۱-۴۲، ۱۳۳ و ۲۰۰).

- انتقاد از حاکمان

انتقاد و طرح عقیده آزاد در چندین داستان متن مورد اشاره و تأکید قرار می‌گیرد. در داستان چهارم/اوروز درباره تربیت فرزند به پدرش تذکر داده و از او انتقاد می‌کند: «تپه قدر بؤیؤمؤشسؤن داری قدر بینین یوک» (ارگین، ۲۰۰۸: ۶۰)، «تن به سان تپه، اما مغز چون یک دانه ارزن» (لوئیس، ۱۳۷۹: ۱۰۴؛ بهزادی، ۱۳۸۱: ۱۱۵). قازان‌خان در پاسخ دست‌ها را بر هم زده و می‌خندد: «آ بی‌لر اوروز گؤزل سؤیلدی، شه‌کر یدی» (ارگین، ۲۰۰۳: ۶۱)، «نجبا! اوروز راست می‌گوید و به جا» (لوئیس، ۱۳۷۹: ۱۰۴). در داستان دوم، قاراجیق چوبان به عنوان یک چوپان و فردی عادی، بر سالورقازان نهیب می‌زند که چرا هنگام یغمای دشمنان حضور نداشته- است (بهزادی، ۱۳۸۱: ۵۹). متن، فضای بسیار گسترده و بازی در انتقاد از حکمرانان را معرفی می‌کند. در برخی از اسامی قهرمانان کتاب دده قورقود، پیشوند ذلی به معنای دیوانه همچون در ذلی‌دومرول، وجود دارد. دیوانه بودن در اسطوره کور/وغللو و نیز کتاب دده قورقود به معنای مثبت آن است: جوانمردی، جسارت، فعال بودن، دلیری (آنار، ۱۳۸۱: ۲۷؛ بهزادی، ۱۳۸۱: ۸۳ و ۱۳۶). حتی خود واژه اوغوز نیز در اصطلاحاتی چون «فیلانکس چوخ اوغوز آدام‌دیر» (آنار، ۱۳۸۱: ۱۴) و «بوزاوغلان» (بهزادی، ۱۳۸۱: ۷۶) به معنای دلاوری و جسارت است.

- ایفای نقش افراد عادی جامعه

اگرچه که اغلب مطالب متن اختصاص به قهرمانان اوغوزها دارد ولی افرادی عادی جامعه نیز فراموش نشده و به نقش آنها نیز اشاره می‌گردد. البته بایستی تأکید کرد که فرایندی از تبدیل افراد عادی به بیگ‌ها نیز مکرراً در داستان‌ها به میان می‌آید، لذا قهرمانان نیز در ابتدا در زمره افراد عادی بوده‌اند. با این وجود یکی از شخصیت‌های متن به عنوان نمادی از افرادی عادی به شمار می‌آید. قاراجیق چوبان در داستان دوم به هنگام حمله نیروهای دشمن، آنها را شکست داده و بخشی از دارایی‌های اوغوز (گوسفندان) را حفظ می‌کند (بهزادی، ۱۳۸۱: ۵۴-۵۵).

- تدبیرگر امور: سخنگوی مردمی

با توجه به متن، تدبیرگر امور یعنی دده قورقود نماینده و سخنگوی مردم است. چراکه آشیق چنین نقش نمایندگی و سخنگویی اجتماع را بر عهده دارد (فیض‌الهی، ۱۳۶۹: ۴)، به همین دلیل است که به همراه سازش در میان طوایف و قبایل مختلف می‌گردد.

جدول ۴) کاربرد قیاسی مقوله‌ها در رویکرد سوم

رویکرد	معرف‌ها	متن	توضیحات
--------	---------	-----	---------

رویکرد سیاسی - حقوقی	۱. شأن والای زنان	دستان اول	در سخنان دیرسه‌خان به همسرش
		دستان دوم	در سخنان اوروز به مادرش، بورلاخاتون
		دستان چهارم	در سخنان سالورقازان به همسرش
		دستان پنجم	در سخنان دلی‌دومرول به همسرش نسبت به آزادی عمل او
		دستان دهم	در سخنان سغرق به همسرش نسبت به آزادی عمل او
	۲. ایفای نقش زنان در جامعه	دستان اول	به مبارزه رفتن همسر دیرسه‌خان
		دستان چهارم	مبارزه بورلاخاتون برای رهایی اوروزبیگ و از بین بردن یکی از سرکرده‌ها
		دستان ششم	مبارزه سلجان‌خاتون با مهاجمان به قانتورالی
		دستان نهم	توجه بگیل به سخن عاقلانه همسرش
	۳. انتقاد از حاکمان	دستان دوم	اعتراض قاراجیق چوبان نسبت به عدم حضور سالورقازان در هنگام حمله به اوغوز
دستان چهارم		انتقاد اوروز از سالورقازان در شیوه تربیت فرزند	
دستان دوم		نجات بخشی از دارایی‌های اوغوز توسط قاراجیق چوبان	
۴. ایفای نقش افراد عادی جامعه	مقدمه	اوزان یا دده قورقود در میان طوایف مختلف می‌گردد	
۵. تدبیرگر امور: سخنگوی مردمی			

۲- به سوی رویکردی جدید: رویکرد اخلاقی

علاوه بر وجود رگه‌ها و اشاراتی به مواردی که می‌توان آنها را در قالب رویکردهای سه‌گانه حکمرانی خوب قرار داد، موضوعاتی در متن مطرح می‌گردند که ما را به سوی رویکرد دیگری سوق می‌دهند که در رویکردهای اصلی حکمرانی خوب به آن توجهی نشده‌است: رویکرد اخلاقی.

- ایثار و اسارت

نجبای اوغوز به هر تعدادی که هستند در اولین مرتبه از خصوصیات اخلاقی برخوردارند. آنها در مواقع جنگ، بایستی ابتدا فرزند خود را به مبارزه بفرستند نه دیگران را. در دستان نهم بگیل چنین اعتقاد دارد: «قبل از آنکه مردم رنج ببرند، بهتر است پسر [عمران] روانه میدان جنگ شود» (لوئیس، ۱۳۷۹: ۱۹۰-۱۹۱). اگر هم فرض را بر این بگیریم که عده قلیلی به عنوان نخبگان قوم در جایگاه نجبا حکمرانان اوغوز هستند، نجبا، حفظ جان مردم تحت فرمان‌شان را از حفظ جان خود و نزدیکان خود مهم‌تر می‌دانند. از اعتقادات نجبای قوم است که در زیر حکمرانی آنها، کسی از جامعه رنجی نبیند و متحمل زبانی نشود و اگر جامعه دچار

هر نوع بحران شد، مردم نباید سپر بلای حاکمان باشند؛ بلکه برعکس، حاکمان هستند که جامعه را بر خویش مقدم فرض گرفته و به میدان نبرد می‌روند. در تمامی دستان‌ها، ابتدا نجبای مورد اشاره است که لباس رزم پوشیده و به صحنه جنگ روانه می‌شود: «نجیب‌زادگان دلاور و قهرمان در میدان نبرد اسب‌ها تاختند» (همان: ۱۰۸). به عنوان مثال ایثارکنندگان در دستان دوم سالورقازان و قازلیق‌چوبان، در دستان سوم بامسی به‌یهرک، در دستان ششم قانتورالی و در دستان هشتم باسات، هستند.

حتی بایستی گفت که اغلب همین قهرمانان هستند که به اسارت می‌روند؛ برای رهایی اسرا نیز نزدیکان و خویشان درجه اول می‌آیند و مبارزه می‌کنند (گایب‌اف، ۲۰۰۸: ۱۳۵). سپس بعد از نجبا دیگر جنگجویان نیز وارد میدان می‌شوند. در چند دستان، دشمنان به سرکردگی ملک شوکلی و قاراتوکتور (به معنای کسی که تاریکی می‌ریزد)، شب‌هنگام و در تاریکی به ایل اوغوز حمله کرده و غارت می‌کنند. از مهم‌ترین چیزهایی که به اسارت می‌رود زنان و خیمه‌هایی هستند که با توجه به توصیفات‌شان نماد خورشید می‌باشند: همچون در دستان دوم، بورلاختون و خیمه‌های قبه‌زرین (سیدسلامت، ۱۳۸۶: ۸۹-۹۲). اسیران اوغوز در دستان‌ها به شرح زیرند: اوروزخان، بورلاختون و مادر سالورقازان در دستان دوم، بامسی به‌یهرک و نه دلاور در دستان سوم، قازلیق‌قوجا در دستان هفتم، اغرق در دستان دهم و قازان‌خان در دستان یازدهم.

- خودستایی نکردن

«کیبیرلیلیق ایل‌هینی تانری سومز» (ارگین، ۲۰۰۸: ۸). در امر سیاست خود را ستودن مذموم شمرده می‌شود. در دستان یازدهم نیز قازان‌خان به همین مورد با عنوان «مردان فخر فروش» اشاره کرده و آنها را ستایش نمی‌کند (بهزادی، ۱۳۸۱: ۲۳۲، ۲۳۳ و ۲۳۴).

- ظاهرسازی نکردن

دده قورقود در مقدمه کتاب معتقد است که «خیدمت چیه البیسه گیدیرسن خانیم اولماز» (همان)، «لباس قیمتی و فاخر، کنیز را خاتون نگرداند» (لوئیس، ۱۳۷۹: ۲۳؛ بهزادی، ۱۳۸۱: ۲۴).

- سپردن امور به شخصیت‌های سالم

«بهتر آن باشد که شمشیر برآن به دست دون و فرومایه نیفتد» (همان: ۲۴؛ بهزادی، ۱۳۸۱: ۲۴). از آنجاییکه در حوزه حکمرانی و سیاست، اختیارات و امکانات بسیاری به دست می‌آید، شخصیت و ویژگی‌های روانی حکمرانان مهم‌تر جلوه می‌کند.

- سیاست دفاع در برابر سیاست حمله

«اگر شمشیر فولادین سیاه از نیام برنکشید، دشمن عقب نمی‌نشیند» (لوئیس، ۱۳۷۹: ۲۴؛ بهزادی، ۱۳۸۱: ۲۴). رویدادهای دستان‌ها نشان می‌دهد که همواره سرزمین اوغوز مورد حمله و غارت واقع می‌شود. اوغوزها هیچ‌گاه آغازگر جنگ نیستند و دشمنان تنها در شب می‌توانند به قوم اوغوز یورش ببرند. لذا اوغوزها مجبور می‌شوند که برای بازپس‌گیری اسرای جنگی خود با تهاجم‌کننده مبارزه کنند. اگرچه که «از ۱۲ دستان، ۱۰ دستان روایت یک مبارزه است» (گایباف، ۲۰۰۸: ۱۳۲) اما، با رویکرد خاصی که ذکر شد، جهان بدون جدال و خصم‌جویی، آرمانی است که کتاب دده قورقود به دنبال آن است و از آن حمایت می‌کند.

دیگر خصوصیات اخلاقی در قالب تکوین استقرایی مقوله‌های رویکرد اخلاقی با معیار تعریفی کنش اخلاقی در جدول زیر آمده- است.

جدول ۵) تکوین استقرایی مقوله‌ها با ملاک تعریفی کنش اخلاقی از متن مورد مطالعه

رویکرد	معرف‌ها	متن	توضیحات
رویکرد اخلاقی (در میان حکمرانان (نجبا))	۱. ایثار	دستان دوم	سالورقازان به همراه قاراجیق چوبان و دیگر بیگ‌ها برای رهایی امروز
		دستان سوم	بامسی‌به‌یهرک و دیگر بیگ‌ها برای نجات چهل دلاور
		دستان ششم	قانتورالی و مبارزه با سه حیوان وحشی برای نجات سلجان-خاتون
		دستان هشتم	باسات در مبارزه با تپه‌گوز
	۲. به اسارت رفتن	دستان دوم	اوروزخان، بورلاخاتون، مادر سالورقازان
		دستان سوم	بامسی‌به‌یهرک و ۹ دلاور (۱۶ سال)
		دستان چهارم	اوروزبیگ
		دستان هفتم	قازلیق قوجا
		دستان دهم	اغرق پسر اوشون قوجا
		دستان یازدهم	قازان‌خان
		۳. خودستایی نکردن	مقدمه
	دستان ششم		از زبان سلجان‌خاتون
	دستان یازدهم		از زبان قازان‌خان
	۴. ظاهرسازی نکردن	مقدمه	از زبان دده قورقود
		۵. سپردن امور به شخصیت‌های سالم	مقدمه

مبارزه در اثر اسارت دیرسه‌خان	دستان اول	۶. سیاست دفاع
مبارزه در اثر به اسارت رفتن سالورقازان و بورلاخاتون	دستان دوم	
مبارزه در اثر به اسارت رفتن بامسی به‌یهرک	دستان سوم	
مبارزه در اثر به اسارت رفتن اوروزبیگ	دستان چهارم	
مبارزه در اثر به اسارت رفتن قانلی قوجا	دستان هفتم	
هجوم بر ایل اوغوز	دستان هشتم	
حمله بر مرزدار سرزمین اوغوز، بگیل	دستان نهم	
هجوم بر اغرق	دستان دهم	
حمله بر قازان‌خان و دلاوران او	دستان یازدهم	
بخشش عمل نادرست دیرسه‌خان که در اثر نا آگاهی رخ داده توسط بوغاچ به توصیه مادر	دستان یکم	
هجوم نبرد بر فراریان و امان‌خواهان توسط سالورقازان	دستان دوم	۸. جوانمردی در جنگ
هجوم نبرد بر فراریان و امان‌خواهان توسط سلجان‌خاتون	دستان ششم	
خطاب دده قورقود به بیگ‌ها خصوصاً باییندرخان	دستان‌های یکم، دوم، چهارم، ششم، یازدهم و دوازدهم	۹. یادآوری فانی بودن دنیا
دعای بیگ‌ها برای فرزندآوری دیرسه‌خان	دستان اول	۱۰. خیرخواهی
دعای بیگ‌ها برای فرزندآوری بی‌بوره	دستان سوم	

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با نزدیک کردن افق معنایی امروزی به افق معنایی متن مورد مطالعه، رگه‌ها و آثاری از حکمرانی خوب آشکار شدند. با تحلیل محتوا و تکوین قیاسی مقوله‌ها بر اساس رویکردهای سه‌گانه حکمرانی خوب، این ویژگیها با معرف‌هایی تشخیص داده شدند. در مورد هر سه رویکرد مدیریتی، اقتصادی و سیاسی-حقوقی، ویژگیهایی در متن مورد مطالعه شناسایی شد که در حیطه خود متن به آنها پاسخ داده و معرف‌هایی ارائه می‌داد. معرف‌های رویکردهای سه‌گانه طرح شده از متن لزوماً هم‌نواپی کاملی با معرف‌هایی که در چارچوب نظری طرح شد، ندارد ولی می‌توان گفت که در فضای کلی هر یک از سه رویکرد قرار می‌گیرند.

با تکوین استقرایی مقوله‌ها، متن مورد مطالعه رویکرد جدیدی معرفی کرد. رویکرد اخلاقی مشتق از متن، در رویکردهای اصلی حکمرانی خوب بحث نشده و جایگاهی نیز ندارد. اما بنا به متن، و از نظر نگارنده، این بعد اخلاقی حکمرانی می‌تواند ابعاد دیگر مدیریتی، اقتصادی و سیاسی - حقوقی را تکمیل کرده و علاوه بر آن ضامنی برای ارتقاء ابعاد دیگر باشد. خاص‌گرایی ویژه متن به سوی سامان دادن ابعاد و رویکردهای سه‌گانه حکمرانی خوب بر حول بعد اخلاقی می‌رود. اداره‌کنندگان جامعه فراتر از داشتن سنن و قواعد اجتماعی‌ای که هر یک معرف ابعادی از حکمرانی خوب است، بایستی دارای اصول اخلاقی‌ای نیز باشند تا ضمانت اجرای آنها باشد. بدین ترتیب است که در کنار قوانین و رویه‌های مطلوب اجتماعی حضور و وجود مجریان ملتزم به آنها به لحاظ اخلاقی ضروری می‌نماید؛ در غیر اینصورت حتی تدوین چارچوب‌های مطلوب اداره امور عمومی، بدون چنین مجریانی، نمی‌تواند قرین به موفقیت باشد.

با توجه به بخش یافته‌ها، می‌توان مقایسه‌ای در خصوص کیفیت توجه به حکمرانی خوب در متن و نیز رویکردهای سه‌گانه مطرح در نظریه‌های حکمرانی خوب انجام داد. جدول زیر مقوله‌های قیاسی و استقرایی حاصل از تحلیل محتوای کیفی را نشان می‌دهد.

جدول ۶) مقایسه رویکردهای حکمرانی خوب با رویکردهای متن مورد مطالعه

معرف‌های موجود در متن	معرف‌های نظری	رویکردها	
		استقرایی	قیاسی
اثربخشی مهم‌ترین اقدام نجبا صداقت در سیاست - رویه‌های مشخص بیگی همبستگی مردمی با نجبا	اثربخشی شفافیت مبارزه با فساد حاکمیت قانون ثبات	-	مدیریتی
توزیع مجدد ثروت حمایت از فقرا	تقلیل فقر	-	اقتصادی
حمایت و حفاظت شدید نجبا از مردم	امنیت شهروندان حق اظهار نظر		

انتقاد از حکمرانان	انتخابات آزاد	-	سیاسی-حقوقی
-	نظام سیاسی چندحزبی		
-	جایگاه و حقوق زنان		
شان بالا و نقش اجتماعی زنان			
ایثار	-		-
خودستایی نکردن	-		
ظاهرسازی نکردن	-		
سپردن امور به شخصیت‌های سالم	-	اخلاقی	
سیاست دفاع	-		
جوانمردی در جنگ	-		
و	-		

چنانکه ملاحظه می‌گردد، در رویکرد اول بیشتر، و نه همه، معرف‌های رویکرد مدیریتی، اشاراتی را در متن مورد مطالعه به خود اختصاص داده‌اند همچون اثربخشی مهم‌ترین اقدام نجبا (حکمرانان)، صداقت در سیاست، رویه‌های مشخص انتخاب برای حکمرانی و همبستگی مردمی با نجبا. رویکرد دوم که رویکردی اقتصادی است به طور کامل در متن مورد تأکید قرار گرفته‌است؛ چراکه در چندین دستان بر لزوم حمایت از فقرا و از بین بردن فقر اشاره گشته و از تقسیم ثروت جامعه به طور سالانه سخن به میان می‌آید. رویکرد سیاسی-حقوقی در مقایسه با دو رویکرد مدیریتی و اقتصادی، نشانه‌های کمتری را در متن به خود اختصاص می‌دهد؛ با این همه مواردی چون اهمیت حمایت و حفاظت از مردم سرزمین برای حکمرانان، حق انتقاد از حکمرانان و شان بالا و نقش اجتماعی زنان قابل ذکر است.

بنابراین در پاسخ به مسأله اصلی پژوهش، بایستی گفت که تحلیل محتوای کیفی متن نشان می‌دهد که در متن مورد مطالعه رگه‌ها و نشانه‌هایی از سه رویکرد اصلی حکمرانی خوب وجود دارد؛ اگرچه که موارد موجود در متن به طور کامل و دقیقی با معرف‌های رویکردهای سه‌گانه نظری همپوشانی ندارد.

منابع

- آنار، رضا (۱۳۸۱) *دده قورقود*، ترجمه، تدوین و شرح، عزیز محسنی، تبریز: انتشارات تابان.
- اوزدک، رفیق (۱۳۸۰) *تورکون قیزیل کیتابی (تورکلرین کامیل تاریخی)*، ترجمه حسن پورگل محمد و واله علیزاده، تبریز: اختر، جلد دوم.
- احمدی، بابک (۱۳۸۶) *ساختار و تأویل متن*، تهران: نشر مرکز.
- بهزادی، بهزاد (۱۳۸۱) *دده قورقود، شاهکار ادبی و حماسی ترکان اوغوز*، تهران: نشر نخستین.
- پالمر، ریچارد ا (۱۳۸۴) *علم هرمنوتیک*، ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: انتشارات هرمس.
- پسندی حکم‌آبادی، محمد (۱۳۸۴) *قوپوز، ساز آفرینش*، تبریز: مؤلف.
- جعفرلی، محرم (۱۳۸۴) *داستان و میف*، ترجمه احد آتش، تبریز: نشر اختر.
- چایلی، صمد (۱۳۸۶) *نگاهی به واژه‌های اساطیری آذربایجان*، تبریز: نشر اختر.
- حریری اکبری، محمد (۱۳۸۰) «هرمنوتیک سهندیه»، در *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۷، بهار و تابستان، صص: ۹۷-۱۲۷.
- حریری، نجلا (۱۳۸۵) *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- داشقین (حسین‌زاده)، علی (۱۳۸۴) *فرهنگ ترکی- فارسی*، تبریز: اختر، چاپ دوم.
- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۷۷) *کوراوغلو در افسانه و تاریخ*، تهران: دنیا.
- راشدی، حسن (۱۳۸۷) *ترکان و بررسی تاریخ، زبان و هویت آنها در ایران*، تهران: اندیشه نو.
- رسولزاده، میکائیل (۱۳۸۷) *افسانه‌های بزقوش: با مختصری در مردم‌شناسی ادبیات فولکلوریک مردم ایران و آذربایجان*، تهران: انتشارات پینار.
- سرداری‌نیا، صمد (۱۳۸۷) *سیری در تاریخ آذربایجان*، تبریز: نشر اختر، چاپ دوم.
- سومر، فاروق (۱۳۸۰) *اوغوزها (ترکمن‌ها)*، ترجمه آناردی عنصری، گنبدقابوس: انتشارات طلایی.
- سیدسلامت، میرعلی (۱۳۸۶) *مقدمه‌ای بر بررسی کتاب دده قورقود*، تبریز: انتشارات آشینا.
- سیدواف، میرعلی (۱۳۸۴) *آذربایجان سوی کوکونو دوشونرکن*، ترجمه رحیم شاونلی، تبریز: اختر.
- فاطمی‌نیا، سیاوش (۱۳۸۶) *فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب*، سازمان کارا و شهروند فعال، در *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۶، صص: ۳۵-۵۸.

- فرآذین، جوانشیر (۱۳۸۱) پژوهشی در اسطوره دده قورقود: شاهکاری کهن، تبریز: نشر جامعه پژوه و نشر دانیال.
- فضل‌اله، رشیدالدین (۱۳۸۴) *اوغوزنامه*، ترجمه ر. م. شوکوراوا، تبریز: انتشارات ائلدار.
- فیض‌الهی وحید، حسین (۱۳۶۹) *معاصر آذربایجان عاشیق‌لاری*، تبریز: انتشارات یاران.
- قره‌چورلو، بولوت (۱۳۸۲) *دده‌مین کتابی (سازیمین سوزو، قارداش آندی، دده‌مین کتابی)*، تبریز: اختر.
- کاشغری، محمودبن حسین (۱۳۸۳) *دیوان‌الغات‌الترک*، ترجمه حسین محمدزاده صدیق، تبریز: نشر اختر.
- کریمی، محمدرضا (۱۳۸۷) *کوراوغلو حماسه‌سی*، تهران: نشر اندیشه نو.
- گونئیلی، حسین (۱۳۸۵) *دده قورقود کیتابیندا نهلر موقدّس ساییلیر؟*، تهران، در ماهنامه علمی-تحقیقی دیلماج، شماره ۲۵ تا ۲۷: صفحات ۱۱۸-۱۲۱.
- لویس، جفری (۱۳۷۹) *کتاب دده قورقود*، ترجمه فریبا عزبدفتری و محمد حریری اکبری، تهران: نشر قطره.
- هادی، اسماعیل (۱۳۸۶) *لغتنامه جامع اتیمولوژیک ترکی-فارسی دیل دنیز*، تبریز: اختر.
- Abdellatif, Adel M (2003) *Good Governance and its Relationship to Democracy and Economic Development*, Seoul, United Nations Development Programme (UNDP).
- Aliev, Seyran (2007) *Paul Mirabile'in "Dede Korkut Kitabı'nın İngilizce Çevirisinin Lingvo-poetik Özellikleri*, Çev. Figen Karaboğa, in, Millî Folklor, No. 79, p: 48-54.
- Bulduk, Üçler (1995) *Dede Korkut, Oğuz Elleri ve Kafkazlar*, Kars Kafkas Üniversitesi Rektörlünün akademik danışmanlığında düzenlenen 1. Milli Kafkasya Sempozyumu'na tebliğ olarak sunulmuştur, p: 247-251.
- Cuervo-Cazurra, Alvaro & Ruth V. Aguilera (2004) *"Codes of Good Governance Worldwide: What is the Trigger?"*, in, *Organization Studies*, Vol. 25, No. 3, pp: 215-443.
- Debiel, Tobias, & Ulf Terlinden (2005) *Promoting Good Governance in Post-Conflict Societies*, Eschborn, Germany, Deutsche Gesellschaft für.
- Demmers, Jolle. et al (2004) *Good Governance in the Era of Global Neoliberalism Conflict and depolitisation in Latin America, Eastern Europe, Asia and Africa*, Routledge, London & New York.
- Deng, Francis M & Terrence Lyons (1998) *African Reckoning : A Quest for Good Governance*, Brookings Institution Press, Washington D.C.
- Denizler, Faik Utkan (2006) *Dede Korkut Oğuznameleri Üzerinde Yei Çalışmalar*, in, Turkish Studies, International Periodical For the Languages, Literature and History of Turkish or Turkic, Vol. 1/2, p: 303-322.
- Dostal, Robert J (2002) *The Cambridge Companion to Gadamer*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Dündar, L. Burcu (2001) *Dede Korkut'tan Murathan'a Deli Dumrul*, Ankara, in, *Adam Öykü*, Mayıs-Haziran, No. 34, p: 75-83.

- Ergin, Muharrem (2003/1964) **Dede Korkut Kitabı**, Ankara, Hisar Kültür Gönüllüeri.
- Farr, Charlotte F. A (1976) **The Music of Professional Musicians of North Iran (Azerbaijan)**, PhD Thesis, University of Washington.
- Gadamer, Hans-Georg (2004) **Truth and Method**, Translation revised by Joel Weinsheimer and Donald G. Marshall, London & New York, Sheed & Ward Ltd and the Continuum Publishing Group.
- Gayibov, Seyran (2008) **Kitab-ı Dede Korkut'taki Tutsaklık Durumu Karşısında Oğuz'un Yutumu**, Baku, Uluslararası Sosyal Araştırmalar Dergisi, The Journal Of International Social Research, Vol. 1/3, p: 131-152.
- Guttal, Shalmali (2002) **Disclosure, or Deception? Multilateral Institutions and Access to Information**, Bangkok, in, Good Governance or Bad Governance, Chulalongkorn University.
- Hatchard, John et al. (2004) **Comparative Constitutionalism and Good Governance in the Commonwealth: An Eastern and Southern African Perspectives**, Cambridge University Press, Cambridge.
- Langlands, Alan (2004) **The Good Governance Standard for Public Services**, London, Hackney Press Ltd.
- Mayring, Philipp (2000) "Qualitative Content Analysis", in, *Forum: Qualitative Social Research*, Vol. 1. No. 2, June.
- Nanda, Ved P (2006) "The "Good Governance" Concept Revisited", in, *The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, Sage Pub, Vol. 603, January, pp: 269-283.
- Nathan, Dev & Niaz Ahmed Apu (2002) "Securing Women's Property Rights: Problems of Good Governance and Establishing Norms of Economic Functioning", in, *Gender, Technology and Development*, Sage Pub, Vol. 6, No. 3, pp: 373-388.
- Neumayer, Eric (2003) **The Pattern of Aid Giving: The impact of good governance on development assistance**, Routledge, London & New York.
- Onyejekwe, Okey (2004) **The Role of Good Governance in the National Implementation of the BPOA: The Need for a Capable State**, New York, Economic Commission for Africa (ECA).
- Riffe, Daniel et al. (1998) **Analyzing Media Messages : Using Quantitative Content Analysis in Research**, Lawrence Erlbaum Associates Publishers, New Jersey.
- Rosa, Donna (2001) **The Anti-Corruption and Good Governance Act**, United States, The Journal of Public Inquiry, fall/Winter, pp: 1-2.
- Sheridan, R. Aslıhan Aksoy (2008) **Sözlü Formül Kuramı Işığında Dede Korkut Kitabı'na Bakış**, Çev. Figen Karaboğa, in, *Millî Folklor*, No. 79, p: 21-32.
- Spannagel, Christian et al (2005) "Application of Qualitative Content Analysis in User-Program Interaction Research", in, *Forum: Qualitative Social Research*, Vol. 6. No. 2, May.
- Tarling, Nicholas et al. (2005) **Corruption and Good Governance in Asia**, Routledge, London & New York.
- Thakur, Ramesh & Oddny Wiggen (2004) **South Asia in the World: problem solving perspectives on security, sustainable development, and good governance**, United Nations University Press, Tokyo.
- Toksoy, Ahmet (2008) **Dede Korkut Destanlarında Tav-Eli ve Çevresi**, in, *Turkish Studies, International Periodical For the Languages, Literature and History of Turkish or Turkic*, Vol. 3/1, p: 121-128.
- Üstünova, Kerime (2008) **Dede Korkut Destalarında, Aşamalı Tekrarların Üslup Özelliklerini Biçimlendirishi Üzerine**, Ankara, *Fen-Edebiyat Fakültesi, Sosyal Bilimler Dergisi*, No. 14/1, p: 229-237.
- Wagener, Hans-Jürgen (2004) **Good Governance, Welfare, and Transformation**, in, *The European Journal of Comparative Economics*, Vol. 1, n. 1, pp: 127-143.

- Wilks, Judith M (1995) *Aspects of the Koroglu Destan: Chodzko and Beyond*, PhD Thesis, Department of Near Eastern Language and Civilizations, Chicago, Illinois.
- Woods, Ngaire (2007) "**The Channing Politics of Aid**", in, *Exporting Good Governance*, Edited by Jennifer Welsh and Ngaire Woods, Wilfrid Laurier University Press, Canada, pp: 3-19.
- Zanger, Sabine C (2000) "**Good Governance and European Aid: The Impact of Political Conditionality**", in, *European Union Politics*, Sage Pub. Vol. 1, No. 3, pp: 293-317.